

متن کامل کتاب مرد روزگاران نوشته ی علی مدرس به صورت الکترونیکی در آمده است تا قابل دسترس برای همگان باشد. فرم الکترونیکی کتاب اندکی خلاصه، ویراستاری و به روز شده است. تمامی حقوق چاپ و نشر این کتاب متعلق به نشر هزاران می باشد. در صورت استفاده از کتاب به عنوان منبع ذکر نام ناشر الزامی است. لطفن از الگوی زیر استفاده کنید:

علی مدرس، مرد روزگاران: مدرس شهید نابغه ی ملی ایران، تهران: نشر هزاران، چاپ دوم، ۱۳۷۴.

مرد روزگاران: مدرس شهید نابغه ی ملی ایران

علی مدرس

زادگاه، خانواده، و تاریخ ولادت مدرس

(صفحات ۳۷ تا ۴۴ کتاب مرد روزگاران)
(خلاصه و به روز شده در تاریخ ۱۸ شهریور ۱۳۹۳)

افراد زاینده ی محیط هستند و تربیت اولیه در نشو و نما ی انسان پایه ی اصلی زندگی را تشکیل می دهد. از این جهت، برای شناخت مدرس لازم است که زادگاه و خانواده ی او را نیز بشناسیم. مدرس در دامن طبیعت زاده شد و دوران کودکی خود را در محیطی آرام و بدون دغدغه های زندگی شهری سپری نمود؛ و شاید دل بستگی او به آزاد و رها بودن و بی علاقگی وی به تجملات، ناشی از ده نشینی و زندگی ساده ی خانواده اش می بود. برخی از مورخان زادگاه مدرس را به اشتباه اصفهان، عده ای شهرضا (قمشه)، و بعضی دیگر چون ا. خواجه نوری اسفه ذکر کرده اند؛ که هیچکدام صحیح نیستند. مدرس در سرابه، دهکده ای در اردستان که در دامنه ی کوهستان و دره ای سرسبز و مصفا قرار دارد، به دنیا آمد و تا شش سالگی در همان جا اقامت داشت. پیشینه ی تاریخی اردستان خود جالب و خواندنی است. ابوالقاسم مهرآبادی در کتاب خود «آتشکده ی اردستان» می نویسد که اردستان مرکب از ارد، به معنی غیور و خشمگین، و ستان، به معنی مکان، می باشد. گویی اردستان محل افراد غیور و شجاع بوده است. از آنجایی که آتشکده ی مهر اردشیر در این منطقه قرار داشته است برخی بر این باورند که ارد به معنی مقدس و نور می باشد، و اردستان به دستور اردشیر دراز دست ساخته شده است و کلمه ی اردشیرستان به تدریج به اردستان تغییر یافته است. همچنین، برخی از ساکنین آن سامان معتقد بودند که رستم دستان در آنجا می زیسته است و نام ارگ دستان به تدریج به ارک دستان و اردستان تغییر یافته است. در کتاب «تربیت الازدهان فی التاریخ الاصفهان» آمده که انوشیروان عادل در آنجا متولد شد. حمدا لله مستوفی در کتاب «تربیت القلوب» اردستان را ولایتی از اصفهان قلمداد می کند که بهمن ابن اسفندیار بناهای متعددی در آن بر پا کرد. همچنین احمد ابن عمر ابن رسته ی اصفهانی اردستان را زادگاه انوشیروان عادل و از جمله بلوکات اصفهان با بناهایی با شکوه ذکر کرده است.

از لحاظ جغرافیایی اردستان در ۳۳ درجه و ۲۳ دقیقه عرض شمالی و ۵۲ درجه و ۲۲ دقیقه طول شرقی واقع شده است. از طرف شمال به سمنان، از غرب به کاشان، نطنز، برخوار و میمه، از شرق به نایین و بیابانک، از جنوب به اصفهان و نایین محدود است. (۱) اردستان دارای هوایی معتدل بوده و روستاهای آن آراسته به باغ های میوه و چشمه های متعدد می باشند. باغ داری و زراعت و همچنین قالی بافی شغل اصلی مردم این سامان را تشکیل می دهد. در این میان، سرابه، محل تولد مدرس، مورد نظر ما می باشد.

سرابه یکی از قدیمی ترین روستاهای این منطقه است. مردم سرابه به سه گروه تقسیم شده اند: طایفه ی بومی، طایفه ی سادات، و طایفه ی مهاجر. طایفه ی سادات متشکل از طایفه ی طباطبایی و حسینی می باشد؛ و سادات طباطبایی به دو خانواده ی اصلی: طایفه ی میرزا علی اصغر و طایفه ی حاجی میرعابدین تقسیم می شوند. حاجی میرعابدین از زواره به سرابه مهاجرت کرد و در آنجا ساکن شد و به تدریج خانواده ای بزرگ را تشکیل داد. یکی از فرزندان او میر عبدالباقی بود که پسرش سید اسماعیل پدر سید حسن مدرس می باشد. به این ترتیب مدرس از سادات طباطبایی بود و در خانواده ای متدین ولی بسیار فقیر پرورش یافت. پدر مدرس واعظ بود و زندگی خانواده ی خود را در کمال تنگ دستی و قناعت از طریق تبلیغ احکام الهی اداره می کرد. شجره نامه ی مدرس توسط علامه شهاب الدین مرعشی، استاد علم رجال و انساب، از کتاب ایشان تحت عنوان «مشجرات آل رسول الله» استخراج شده است. ایشان شجره نامه را برای چاپ در این کتاب در اختیار نویسنده قرار دادند. (۲) متن نامه ی ایشان در بخش اسناد و شجره نامه در بخش شجره نامه در این وب سایت موجود می باشد.

مدرس در پاییز ۱۲۴۹ ه.ش. (۱۲۸۷ ه.ق. ، ۱۸۷۰ م.) متولد شد. مدتی پس از تولد او پدرش مدتی به قمشه نزد میر عبدالباقی که در آنجا سکونت داشت رفت. مدرس تا سن شش سالگی در کنار مادرش، خدیجه، زندگی کرد. سید اسماعیل به سرابه بازگشت تا همسر و فرزند شش ساله ی خود را برای زندگی و تحصیل به قمشه برد اما خدیجه تصمیم گرفت که در کنار خانواده اش در سرابه بماند. مدرس و پدرش راهی قمشه شدند و تا سن چهارده سالگی مدرس در آنجا ماندند تا وی در نزد پدربزرگ خود که از عالمان زمان خود بود به تحصیل بپردازد. در سال ۱۲۶۳ ه.ش. (۱۳۰۱ ه.ق.، ۱۸۸۴ م.) میر عبدالباقی از دنیا رفت و مدرس طبق وصیت پدربزرگ خود در سن شانزده سالگی برای ادامه ی تحصیل به اصفهان کوچ کرد.

— پاورقی ها —

(۱) اردستان، ۱۳۹۱، <http://farhadardestan.persianblog.ir/post/2> (در تاریخ ۱۸ شهریور ۱۳۹۳ رجوع شد.)

(۲) لازم به تذکر است که علامه مرعشی در نامه ی خود مدرس را با نام «میر سید حسن مدرس قمشهی» ذکر کرده اند. به دلیل اینکه مدرس در سن شش سالگی همراه با پدر و پدربزرگ خود به قمشه (شهرضا) مهاجرت نمود این ابهام برای برخی بوجود آمد که وی در قمشه زاده شد؛ وگرنه زادگاه مدرس سرابه می باشد.

دیداری خاطره انگیز (تدوین شجره نامه ی مدرس توسط علامه مرعشی)

(صفحات ۴۲ تا ۴۴ کتاب مرد روزگاران)

(خلاصه و به روز شده در تاریخ ۷ مهر ۱۳۹۳)

نسب نامه ی سید حسن مدرس توسط مرحوم علامه شهاب الدین حسینی مرعشی تدوین شد. همچنین، علامه میر جهانی که از بزرگان علم انساب بودند شجره نامه ی دیگری برای مدرس نوشتند که جز در یک مورد (جابجایی دو اسم) با شجره نامه ی علامه مرعشی تطبیق کامل دارد.

در مهر ماه سال ۱۳۳۹ به اتفاق مرحوم محمد حسین مدرس (خواهرزاده ی مدرس) به قم رفتیم تا از علامه مرعشی تشکر و قدردانی کنیم. ایشان ضمن صحبت فرمودند که: مرحوم آیت الله شهید آقای مدرس در عالم اسلام کاری کردند که جز از عهده ی ائمه ی اطهار از هیچ عالم و مجتهدی در تاریخ اسلام بر نیامده و نمی آید. زندگی او علی وار و شهادتش کاملن شبیه امام جعفر صادق بود. مدرس ثابت کرد که تاریخ زندگی ائمه ما کاملن با حقیقت وقف می دهد.

سپس اضافه کردند: شما فرزندان شما باید حافظ این عظمت و افتخاری باشید که آن مرحوم برایتان باقی گذاشته است.

متن دو نامه ی علامه مرعشی در بخش مدرک و در زیر آورده شده است:

بسمه تعالی

به عرض عالی می رساند مرقومه کریمه راجع به نسب مرحوم آیت الله آقای مدرس زیارت. چنانچه حقیر وعده نموده بودم تفحص کامل در نوشتجات به عمل آمد، مستدعی است به فوریت از اسم اسامی آن مرحوم تا چند پشت که در قم مرحمت فرموده بودید در جواب این عریضه ارسال فرمایید. انشاءالله تعالی تکمیل نموده تقدیم می شود. منتظر هستم. و مشاغل آن چند نفر که در دست دارید اشاره بفرمایید که از علما بوده یا طبقات دیگر و دارای تالیفی بوده اند یا خیر. زیاده مصدع نمی شود.

قم شهاب الدین الحسینی المرعشی النجفی

پاسخ این نامه را در تاریخ چهار مهر ۱۳۳۹ به ایشان ارسال نمودم.

بسمه تعالی

مرحوم آیت الله شهید آقای میر سید حسن مدرس قمشهی از اجلا علما و از رجال نامی ادوار اخیر بودند، معظم له پس از پایان تحصیل سطوح عالی و خارج در اصفهان به عتبات مشرف شده سنین عدیده در جلسه ی درس مرحومین آیات عظام آقای آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و آقا سید محمد فشارکی و آقا سید محمد کاظم یزدی و آقای شریعت تحصیل خود را به پایان رسانیدند و مباحثه ی ایشان مرحومین آیتین الله آقای سید ابوالحسن اصفهانی و آقای سید علی کازرونی متولی مدرسه قوام شیرازی که از مدارس نجف اشرف است بود. طرف عصر در مقبره مرحوم آیت الله علامه مذاکره داشتند و مدت قلیلی هم با مرحوم والد حقیر یعنی آیت الله نسابه آقا سید محمود مرعشی حسینی متوفای ۱۳۳۸ مذاکره داشتند. آثار قلمی ایشان آنچه خود حقیر در طهران شفاه از آن مرحوم شنیده ام حاشیه بر کفایت استاد خود در اصول و رساله در شرط متأخر و رساله در لزوم بحث در لزوم و عدم لزوم قبض در موقوفه و غیرها مقالات سیاسی ایشان زیاد در جراید و مجلات منتشر می باشد. و حقیر در سفر اخیر خودم بطهران [به تهران] نظر به مقام دوستی و علاقه مندی ایشان بمرحوم [به مرحوم] والد مکرر خدمتشان رسیدم و از بیانات آن مرحوم مستفیض می شدم و از آن بزرگوار استجازه نمودم از روایت احادیث شفاه اجازه دادند و فرمودند از آقای شریعت و حاج میرزا حسین نوری مجاز هستم و وعده

دادند که کتبا هم بنویسند. بعدا طوفان حوادث ایشان را مبتلا و بالاخره در کاشمر به دست شقی روزگار جهانسوز میرزا که بعدا رییس نظمیه قم شده بود آن سید بزرگوار با دهن روزه شهید و به اجداد طاهرین خود ملحق شد. خداوند آمر و مباشر را به لعن خود گرفتار و آنها را با اعدا آل رسول (ص) محشور بفرماید. زیاده مزاحم نمی شود. ملتمس دعا هستم. چنانچه نشر شد کتاب حالات ایشان یک چند نسخه برای دوستان ارسال به قم بفرمایید و نختم بالسلام خیر ختام و نسب آن بزرگوار را در صفحه مستقله از کتاب مشجرات آل رسول الله الاکرم خودم و مشجرات العلویین مرحوم والد استخراج نموده تقدیم کردم. رسید آن را مرقوم فرمایید.

شهاب الدین ابوالعالی شهاب الدین الحسینی المرعشی النجفی